

ضرورت نوآوری در روش‌های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی

* سیده نجمه تقوی‌نسب

** دکتر سید ابراهیم میرشاه‌جعفری

*** دکتر محمد نجفی

چکیده

در جامعه معاصر، فرایند تربیت دینی نیز باید همگام و متناسب با تغییرات روز پیش رود تا بتواند جوابگوی نیاز مخاطبان خود باشد. این امر، بازنگری، تجدیدنظر و نوآوری در شیوه‌ها و روش‌های تربیت دینی را ضروری می‌نماید. هدف از تدوین این مقاله، بررسی دلایلی است که وجود نوآوری در روش‌های تربیت دینی را ثابت می‌کند. روش پژوهش در قالب مطالعه موردی با استناد به منابع روایی و علمی است و تلاش شده تا با استفاده از این منابع، ضرورت نوآوری در تربیت دینی از منظر مبانی دینی، فلسفی و علمی مورد بررسی قرار بگیرد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که نوآوری در تربیت دینی به لحاظ دینی، فلسفی و علمی مورد تأکید است و بر اساس این مبانی، لازم است که به بحث نوآوری در تربیت دینی بیشتر توجه شود.

واژه‌های کلیدی: تربیت دینی، نوآوری.

مقدمه

تغییر و نوآوری از ویژگی‌های منحصر به فرد هزاره سوم می‌باشد. جهان امروز با شتابی فوق العاده در حال دگرگونی است؛ به همین دلیل، عصر حاضر دوران نوجویی و نوآوری است. در مدیریت تغییرات، سیستم‌های تربیتی و اجتماعی هم‌زمان با تحولات جامعه به بازسازی نیاز دارند. در این میان، فرایند تربیت دینی نیز باید بتواند جوابگوی نیاز مخاطبان خود باشد؛ بنابراین، این امر، بازنگری، تجدیدنظر و نوآوری در شیوه و روش‌های تربیت دینی را ضروری می‌کند.

اگر تربیت دینی بتواند از نظر محتوا، اجرا و روش‌ها با نیازهای جدید کودکان و نوجوانان منطبق شود و با خود نوآوری و تازگی را به همراه داشته باشد، گام مؤثری برای جذب نسل جوان به دینداری و دین برداشته است. به گفته رهبر انقلاب: «امروزه در دنیا در زنده‌ترین مسائل و علوم مورد احتیاج مردم، ساعت به ساعت روش‌های نو را پیش می‌آورند. روش‌ها دائم عوض می‌شوند و حرف‌های نو به نو می‌آیند. ما چطور می‌خواهیم حرف خودمان را به همان شیوه و روشی که با مردم پنجاه سال قبل گفته می‌شود، در میان گذاریم» (به نقل از بانکی فرد، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱). بنابراین، نکته مهم این است که روند تربیت دینی با توجه به ضرورت‌های زمان چگونه باید پیش برود و اصولاً آیا نیازی به نوآوری در این ساحت تربیتی احساس می‌شود و یا بالعکس، این روند باید به همین شکل و صورت موجود باقی بماند؟ شناخت جنبه‌های نظری و تئوریک و ضرورت‌های نوآوری در عرصه‌های مختلف، از جمله در تربیت دینی تأثیر زیادی در کاربرد صحیح و به موقع نوآوری‌ها دارد. به همین خاطر، این پژوهش با هدف بررسی مبانی ضرورت نوآوری در تربیت دینی تدوین شده است. برای تبیین این مسئله، توجه به نیازهای فراگیران در این حیطه بسیار مهم است. منابعی که در شناخت این نیازها مؤثرند، سه دسته است: علم، دین و فلسفه. بنابراین، در این مقاله، با توجه به مبانی دینی، علمی و فلسفی، ضرورت‌های نوآوری در تربیت دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در اثبات لزوم نوآوری در تربیت دینی در هر سه بعد، سؤال‌های اساسی تحقیق این خواهد بود که این ابعاد به عنوان مهم‌ترین منابع تشخیص نیازهای انسان، چگونه می‌توانند نیاز به نوآوری در تربیت دینی را جوابگو باشد و آیا نوآوری در تربیت دینی به لحاظ مبانی دینی، فلسفی و علمی، جایگاه خاصی دارد یا خیر؟ در ابتدا برای روشن‌تر شدن موضوع باید به پرسش‌های فرعی زیر پاسخ داد:

الف. تربیت دینی چیست؟ ب. نوآوری چیست؟ ج. نوآوری در تربیت دینی به چه معناست؟

چیستی تربیت دینی

تربیت دینی، به معنای فعالیت‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده نهاد‌های آموزشی جامعه به منظور آموزش بینش، منش و آموزه‌های دین به افراد است، به گونه‌ای که در عمل نیز به آنها پای‌بند باشند (داوودی، ۱۳۸۳، ص ۱۶). تربیت دینی را می‌توان فرایندی دانست که ضمن آن تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، زمینه‌ای فراهم شود که متربی در جهت رشد و شکوفایی استعداد‌های فطری و دینی گام بردارد (ماهروزاده، ۱۳۸۵، ص ۳۶). همچنین تربیت دینی به هر گونه فعالیت هدفمندی گفته می‌شود که در نظام آموزش و پرورش کشور به منظور تقویت ایجاد شناخت و باور به معارف دینی، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام و دستورات دینی طراحی شده است (صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱). در دایرة المعارف جهانی تربیت در تعریف از تربیت دینی چنین آمده است: «آموزش منظم و برنامه‌ریزی شده که سعی دارد در مسائلی همچون وجود خدا، حقیقت هستی و حیات، رابطه فرد با خالق و با سایر افراد جامعه بشری، انسان را از اعتقاداتی بهره‌مند کند» (توماس، ۱۹۹۴، ص ۴۱).

روند تربیت دینی، ابتدا به صورت شناختی است، سپس نگرش‌ها و گرایش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌گاه خود را در رفتار نشان می‌دهد (شاملی و همکاران، ۱۳۷۸). تربیت دینی دارای ابعاد اساسی شناختی، عاطفی و حرکتی است. بعد شناختی، شامل هدف‌هایی است که دانش، فهم و مهارت‌های تفکر را مورد بررسی قرار می‌دهد و به فعالیت‌هایی مانند دانستن، شناختن، فهمیدن، اندیشیدن و استدلال کردن مربوط می‌شود. مؤلفه عاطفی نیز شامل احساس، انگیزش، نگرش قدردانی و ارزش‌گذاری است. بعد حرکتی، به مهارت‌هایی مربوط می‌شود که با اعمال ارادی و هدفدار انسان سر و کار دارد (سیف، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵-۹۹). تربیت دینی در بعد شناختی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از دین و اصول و مبانی آن، درک درست و صحیحی به دست آورند. بعد عاطفی نیز باید بتواند احساس‌های دانش‌آموزان را نسبت به جهان، آفریدگار و علت اصلی هستی برانگیزاند و آنها را تقویت نماید. هر کدام از این حیطه‌ها نیازمند روش‌ها و شیوه‌های خاص تربیتی هستند. مسیر تربیت دینی باید از راه‌های مختلف به فراگیران کمک نماید تا

از شناخت و اعتقادات خود برای انجام وظایف فردی و اجتماعی خویش کمک بگیرند و رفتارهای مناسب را بروز بدهند.

چیستی نوآوری

نوآوری، برگزیدن ایده‌های جدید و تبدیل آنها به خدمات و روش‌های تازه است که با خود تغییرات مفیدی را به همراه می‌آورد (دفت،^۱ ۱۹۹۲؛ لارسون،^۲ ۱۹۹۳). نوآوری نتیجه پیاده کردن پیروزمندانه اندیشه‌های سازنده است و هر گونه بهبود قدم به قدم و مرحله‌ای در فرایندها، نوآوری تلقی می‌شود (تاشمن،^۳ ۱۳۷۸، ص ۶۹). همچنین نوآوری به شکل انتخاب و استفاده نو و تازه از منابع انسانی و مادی و ابداع روش‌های تازه‌ای که هدف‌ها را در سطح بهتری به تحقق برساند، نیز تعریف شده است (هانر،^۴ ۲۰۰۵). در این میان، منظور از نوآوری‌های تربیتی موارد ابتکاری و خلاقیتی است که باعث تحول در نظام آموزشی سنتی، بهینه‌سازی و ارتقای کیفی آن می‌شود و بر محتوای آموزشی، روش‌های مورد استفاده و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید تأثیر دارد (منطقی، ۱۳۸۴، ص ۳۷). استرنبرگ،^۵ کافمن^۶ و پتر^۷ (۲۰۰۴) در ارتباط با مؤلفه‌های مؤثر در نوآوری و یا به عبارتی، عناصری که نوآوری را می‌سازند، به عوامل زیر اشاره کرده است: ارتباطات باز میان سازمان‌ها، ابهام و تعارض، فراگرفتن مهارت‌های عقلانی، طرز تفکر انتقادی، پذیرش ریسک و تعهد کاری. همچنین مهم‌ترین عواملی که می‌تواند زمینه‌های نوآوری را در هر سازمان و نهادی فراهم کند، شامل عوامل ساختاری، عوامل فرهنگی، عوامل مدیریتی و منابع انسانی است (سام‌خانیان، ۱۳۸۴، ص ۸۴).

از این تعاریف می‌توان نتیجه گرفت که منظور از نوآوری، تغییر در روش‌ها است. از آنجا که نوآوری با استفاده بهینه و جدید از منابع و امکانات مختلف در سیستم تربیتی همراه است، باید هدفمند باشد و با مطالعه و برنامه‌ریزی صحیح و به شکل مستمر در فرایند تربیتی به کار گرفته شوند. نوآوری روندی یک سویه نیست؛ بلکه دارای اجزا و عناصری است که در بین آنها تعامل و ارتباط برقرار است و با هم تغییرات تازه را به وجود می‌آورند. نوآوری‌ها تحولات مثبتی هستند که برنامه‌ریزی‌های صحیح، آموزش‌ها و یادگیری‌های هدفدار در ایجاد و پذیرش آنها مؤثرند. به طور کلی، اولین قدم برای ایجاد

1. Daft
3. Tashman
5. Sternberg
7. Peter

2. Larson
4. Haner
6. Kaufman

نوآوری در هر زمینه‌ای، جدا شدن از قالب‌های تکراری و روزمرگی انجام امور است. رسیدن به این باور که هر کاری را می‌توان در شکل تازه و جدیدتر انجام داد، در فراهم کردن بستر مناسب برای نوآوری‌ها مؤثر است. نوآوری به دلیل گستردگی مفهوم در هر سیستمی قابل اجرا است و به خوبی می‌تواند در مسائل تربیتی، از جمله تربیت دینی کاربرد داشته باشد.

دامنه نوآوری در تربیت دینی

همان‌طور که اشاره شد، منظور از نوآوری تغییر در روش‌ها است، به نحوی که سبب بهبود و کیفیت‌بخشی به امور شود و شیوه انجام کارها را نسبت به آنچه از قبل بوده است، بهتر نماید. از طرفی، با توجه به تعاریف تربیت دینی چنین نتیجه گرفته می‌شود که منظور اصلی از تربیت دینی، فعالیت‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده است که تلاش می‌کند تا محتوای تربیتی اسلام را به بهترین نحو به مخاطبانش برساند. در واقع، تربیت دینی مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌های ابلاغ محتوا به فراگیران است. محتوای تربیت دینی در اسلام، یک منبع غنی و پرمایه‌ای است که برگرفته از تعالیم قرآن و سیره معصومین می‌باشد. این محتوا به شکل کامل و ثابت برای همه زمان‌ها، در دسترس مریبان تربیتی قرار دارد. آنچه در تربیت دینی دارای اهمیت است، چگونگی انتقال این آموزه‌ها به فراگیران است. اگر انتقال پیام به خوبی و از کانال‌های مناسب صورت نگیرد، اهداف تربیتی محقق نخواهد شد. بنابراین، منظور از نوآوری در تربیت دینی، برگزیدن ایده‌ها و راه‌های جدید در شیوه‌های تربیتی و فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای انتقال پیام‌هاست. بدین جهت نوآوری در حیطه تربیت دینی به کار گرفته می‌شود که بتواند جذابیت روش‌های تربیتی را با توجه به ضرورت‌های زمان افزایش دهد.

نوآوری به دلیل گستردگی مفهوم، تنوع روش را نیز در برمی‌گیرد. اگر تغییر در روش‌ها، مقطعی باشد و پی‌گیری نشود و یا فقط با توجه به سلیقه شخصی اجرا شود، نوآوری محسوب نمی‌شود، چرا که هر تغییر سطحی و زودگذر در روش‌ها نوآوری نیست. تغییر، ایجاد هر چیزی است که با گذشته تفاوت داشته باشد؛ اما نوآوری ایجاد ایده‌هایی است که برای سازمان، جدید است. از این رو، تمام نوآوری‌ها می‌تواند منعکس‌کننده یک تغییر باشد و در عین حال، نفی‌کننده شیوه‌های قبلی هم نیست (سام‌خانیان، ۱۳۸۴، ص ۵۸-۵۹). برای ایجاد تغییرات سازنده در روش‌های تربیت دینی و نوآوری باید پشتوانه محکم علمی و شناختی داشت. تنوع روش‌ها در شیوه‌های تربیت دینی مشروط بر اینکه

هدفمند باشد و به شکل علمی، مستمر و هماهنگ با سایر عوامل مؤثر و زمینه‌ها شکل گرفته باشد، می‌تواند جزء نوآوری‌ها قرار بگیرد.

در اینجا باید به تفاوت نوآوری با بدعت توجه نمود. شناخت مؤلفه‌های نوآوری و چارچوب‌های دقیق و تعریف‌های اولیه‌ای که از نوآوری ارائه می‌شود، سبب جلوگیری از تداخل بدعت و نوآوری می‌شود (مبلغی، ۱۳۸۷، ص ۴۰). نوآوری بر پایه آزاداندیشی و ابداع ابتکاری و بدون تقلید است؛ اما در بدعت، سلیقه‌های شخصی وارد می‌شود و اصول دینی نادیده گرفته می‌شود. در نوآوری، تعهد کامل به حفظ دین و تمامیت آن وجود دارد و به قصد کامل کردن دین یا کاستن از آن صورت نمی‌گیرد. در واقع، نوآوری در تربیت دینی را باید به کمک اصول و ملاک‌های دینی انجام داد.

ضرورت نوآوری در تربیت دینی از منظر مبانی دینی

نوآوری از نظر اسلام، واژه بیگانه‌ای نیست و در تعالیم دینی، جایگاه مثبت و پسندیده‌ای دارد. اسلام، دینی است که خود مشوق نوآوری و خلاقیت است، هر چند مستقیم به این مورد نپرداخته است؛ اما آموزه‌های دینی دارای نکات تربیتی بسیاری در ارتباط با نوآوری دارد. در این بخش، ضرورت نوآوری از دیدگاه مبانی دینی با توجه به جنبه‌های فطرت، قرآن و سیره معصومین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. فطرت

فطرت و نهاد انسان، نوآوری‌ها و تغییرات را می‌پذیرد. نوآوری‌ها و اقدام به تغییرات مثبت، امری فطری و مورد قبول ذات بشری است؛ بنابراین، روش‌های تربیت دینی نیز باید با فطرت انسان‌ها هماهنگ و سازگار باشد. از آنجا که استعدادها و فطری به وسیله فرایند تربیت دینی شکوفا می‌شود، پس نمی‌توان از جنبه‌های مورد قبول و ذاتی بشر، از جمله نوآوری در این فرایند چشم‌پوشی نمود. گرایش‌های فطری متعددی در انسان وجود دارد که بر ضرورت وجود نوآوری در تربیت دینی تأکید می‌کنند. این ضرورت را می‌توان در ویژگی‌های فطری زیر جستجو نمود:

الف. گرایش فطری به حقیقت‌جویی: منظور از حقیقت‌جویی، اشتیاق انسان به شناخت روابط بین پدیده‌هاست (اعرافی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸). میل درونی به کشف قوانین و رازهای هستی، آگاهی به حقایق و برطرف کردن ابهام‌ها و شبهات، از آثار گرایش به حقیقت‌جویی است. این گرایش فطری سبب ایجاد روح استدلال و برهان‌گرایی در انسان می‌شود. در این میان، نوآوری‌ها نیز به دنبال طرح سؤال از موقعیت‌های مختلف و در

جستجو و تشخیص حقایق شکل می‌گیرد و می‌توان گفت که گرایش فطری حقیقت‌جویی، نیاز به نوآوری را در بشر ایجاد می‌کند و این در حالی است که روند تربیت دینی نیز بر حقیقت‌جویی تأکید دارد.

ب. گرایش فطری به کمال‌جویی: انسان فطرتاً به پیشرفت و کمال‌گرایی گرایش دارد، به نحوی که کمال‌جویی و ترقی‌طلبی بشر حد و نهایی ندارد. تلاش‌های انسان در زندگی برای ایجاد تغییر در جنبه‌های گوناگون، از نشانه‌های وجود این گرایش فطری است. از طرفی، نوآوری مستلزم کمال‌گرایی و دیدن افق‌های بالاتر است؛ بنابراین، به لحاظ فطری، کمال‌جویی منشأ نوآوری است و با اهداف نوآوری‌ها تطابق دارد. می‌توان گفت که چون فرایند تربیت دینی بر کمال‌جویی مبتنی است، پس هر تغییر هدفمندی را قبول می‌کند که به شکوفایی این ویژگی کمک کند و سبب ارتقای این گرایش فطری شود.

ج. گرایش فطری به زیبایی‌جویی: تربیت دینی به طور گسترده‌ای با گرایش زیبایی‌طلبی و عواطف در ارتباط است. تربیت دینی یک آموزش خشک و بی‌روح نیست. فطرت همه انسان‌ها از هنر و زیبایی لذت می‌برد که میل و اشتیاق شدید انسان به خلق انواع زیبایی‌ها در قالب هنرهای مختلف، از نشانه‌های وجود این گرایش فطری است. از ویژگی‌های مهم شیوه‌های تربیت دینی، توانایی برقراری ارتباط بین انواع هنرها که منشأ زیبایی هستند، با آموزه‌های تربیتی است؛ در غیر این صورت، تربیت دینی باعث کسالت و یکنواختی می‌شود (شمشیری، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵). نوآوری در روش‌های تربیت دینی به دلیل ابتکارات تازه و جدید، می‌تواند این گرایش فطری را اقناع کند؛ بنابراین، ضرورت نوآوری در تربیت دینی، امری بدیهی است.

۲. قرآن

قرآن مجید به عنوان مهم‌ترین منبع شناخت اهداف تربیتی، آموزه‌های فراوانی در ارتباط با نوآوری و رابطه آن با فرایند تربیت دینی دارد. در این قسمت، ضرورت نوآوری در تربیت دینی از دو منظر آیات قرآنی و روش تربیتی قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف. قرآن و نمودهای نوآوری

– نوآوری در آفرینش و طبیعت: به بیان قرآن، یکی از کمالات حق، بدیع و فاطر بودن خداوند است؛ یعنی بدون تقلید از دیگران به آفرینش اقدام کرده است: ﴿بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾؛ خالق آسمان‌ها و زمین خداست و هنگامی

که تصمیم بر امری گرفت، تنها به او دستور می‌دهد که باش، پس می‌شود (بقره، ۱۱۷). از آنجا که رسالت انسان، قرب به خدا و تخلق به اخلاق الهی است، خلاقیت انسان منعی ندارد. صفت فاطر نیز به معنای آفریننده مبتکر و خلاق است. تبدیل، تجدید و تداوم خالقیت و نوآوری خداوند نیز موضوعی قرآنی است. در واقع، تجدید اراده الهی به عنوان صفت فعل او، بهترین گواه بر نوگرایی در آفرینش است. در آیات قرآنی بر این نکته تأکید شده است که وی موجودی است که همه اسمای الهی را در خود به شکل نرم‌افزاری و غیر فعال دارا می‌باشد و تلاش‌های انسانی در یک روند، آن را به شکوفایی و باروری می‌رساند. البته این زمانی است که خود شخص در تلاشی که در اصطلاح قرآنی به آن، «کدح» می‌گویند، در یک فرایند زمانی بکوشد تا سرمایه‌های سرشته در ذات خویش را به فعلیت رساند.

– نوگرایی در آفرینش انسان: موضوع آفرینش انسان که در قرآن مطرح شده، دارای نکات جالبی درباره نوآوری است، از جمله: استمرار آفرینش انسان و تنوعی که در میان میلیاردها انسان در روی کره خاکی دیده می‌شود، نشانگر زیبایی و ضرورت نوآوری است. فرشتگان در مقام استدلال برای نفی آفرینش انسان، موضوع فسادگری و خونریزی وی را مطرح کرده‌اند؛ اما خداوند به مقام علمی او نیز اشاره نموده است. با وجود مخالفت فرشتگان، خداوند انسان را به عنوان پدیده‌ای نو آفرید. بعد از تعلیم اسماء به انسان و فرشتگان، انسان بر خلاف فرشتگان که فقط آنچه را آموخته بودند، برداشت کردند، از خود خلاقیت نشان داده و چیزهایی بر آموخته‌های خویش افزود و این وسعت، نشانگر ظرفیت علمی انسان و ارزش نوآوری‌اش است که با آن می‌تواند بر غیب آسمان‌ها و زمین اطلاع یابد.

– نوگرایی در تشریح: تجدید نبوت‌ها و ظهور ادیان در طول تاریخ، نشانه‌ای از نوآوری‌های خداوند در ارتباط با بندگانش است. نخستین و عمده‌ترین گروه نوگرایان، پیامبران و جانشینان آنان هستند که با صفات برجسته و کمالات خویش باعث اصلاح و تحول آفرینی شده‌اند. قرآن نمونه‌های زیادی از نوآوری‌ها را در داستان تاریخ بشر از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله آورده است. قرآن بیان می‌کند که خداوند در هر عصری مجموعه‌ای را فرو فرستاده است که از آن به عنوان منهای و روش‌های نو شونده یاد کرده است تا برای هر عصر تاریخی بتواند مفید و سازنده باشد و فرد و جامعه را به سوی کمال شایسته پیش برد. از این رو، هنگامی که سخن از دین به میان می‌آید، به این معنا است که جامعه بتواند خود را با بخشی از محتوای جدید همراه با روش‌های تازه به کمال برساند؛ بنابراین، نوآوری در

تشریح و فرستادن پیامبران از ضرورت‌های تاریخی و اجتماعی بوده که نشان‌دهنده ضرورت نوآوری نیز می‌باشد.

- نوگرایی در زندگی فردی: از آنجا که انسان نوگرا و تنوع‌طلب است و از ثبات و یکنواختی فراری است؛ بنابراین، پیش‌رونده است. تقوی، خصلتی روحی است که نخست در حوزه فردی نمود می‌یابد. تأمل در ماهیت تقوی، نوگرایی دینی را به خوبی اثبات می‌کند. آنچه کاملاً روشنگر موضوع است، بالندگی تقوی است. توبه نیز نمونه دیگری از نوگرایی فردی در زندگی است.

- نوگرایی در اندیشه: محور اصلی آفرینش انسان، مقام والای علمی اوست. توجه ویژه قرآن به کسب علم و معرفت، قطعاً ارزش نهادن به نوآوری و کشفیات علمی را در پی دارد.

مخالفت قرآن با تعصب‌ها و تحجرهای فکری، به عنوان مانع مهم نوآوری‌ها، یکی از این نمونه‌ها است. «بندگان من را بشارت ده، آنان که سخنان را می‌شنوند، سپس از بهترین آنها اطاعت می‌کنند. آنان صاحبان اندیشه‌اند» (زمر، ۱۷-۱۸). در این آیه، خداوند بیان می‌دارد که بندگان من، همه سخنان را خوب گوش می‌دهند و به دقت دریافت می‌کنند، سپس تجزیه و تحلیل می‌کنند و خوب و بدش را می‌سنجند و بهترین آن را انتخاب و پیروی می‌نمایند. همچنین می‌فرماید: «آیا اگر پدرانان عقلشان به جایی نمی‌رسید و چیزی نمی‌فهمیدند، باز هم شما باید از آنها پیروی کنید» (بقره، ۱۷۰). اساس قرآن بر پشیمانی کسانی است که اسیر تقلید و پیروی از پدران و گذشتگان هستند و اندیشه و تفکر نمی‌کنند تا خودشان را از این اسارت آزاد کنند (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۳۵-۳۶). این آیات بر داشتن روح علمی که یکی از عوامل اصلی مؤثر در نوآوری است، تأکید می‌کند. شهید مطهری، روحیه علمی را روح حقیقت‌جویی، روح بی‌غرضی و بی‌تعصبی، روح خالی از جمود و غرور می‌داند (همان، ص ۴۰). در واقع، آزاد کردن عقل از تلقین‌های محیط، عرف، عادت و به اصطلاح امروز، از نفوذ سنت‌ها و عادت‌های اجتماعی از تأکیدهای قرآن درباره تربیت اسلامی است. توصیه اسلام به داشتن این صفات با نوآوری و ویژگی‌های آن هم‌خوانی دارد. با دقت در مؤلفه‌های قضاوت صحیح، آزاداندیشی، تعقل، دوری از تعصب و غیره، در آموزه‌های دین اسلام و مقایسه این خصوصیات با مؤلفه‌های تأثیرگذار در نوآوری، می‌توان به رابطه محکم بین این دو پی برد و به این نتیجه رسید که دین اسلام، نه تنها با نوآوری مخالف نیست؛ بلکه با توصیه‌ها و آموزه‌هایش، زمینه‌ای مساعد برای نوآوری فراهم می‌کند.

ب. روش تربیتی قرآن در آموزه‌های قرآن بر تنوع و گوناگونی تأکید زیادی شده است: «ما در این قرآن دلایل و مثل‌های مکرر و متنوع بیان کردیم تا ایشان متذکر شوند» (اسراء، ۴۱) و یا می‌فرماید: «همانا شما را گوناگون آفریدیم» (نوح، ۱۴). این آیات نشانگر توجه قرآن به گوناگونی و یکنواخت نبودن راه‌های انجام امور است. در این میان، تنوع و تعدد روش‌های تربیتی قرآن را می‌توان نمادی دیگر از اهمیت نوآوری به حساب آورد. قرآن نوآوری در روش‌های تربیتی را به صورت عملی نشان می‌دهد. استفاده از تمثیل‌ها، داستان‌سرایی، سؤال و پرسش، فصاحت و شیوایی کلام و ارائه الگوهای دینی و تربیتی، بیانگر توجه قرآن به اکتفا نکردن به یک شیوه خاص در ارائه دین، نوآوری و ابداع در شیوه‌های تربیتی است.

۳. سیره معصومین علیهم‌السلام

بیانات بسیاری از ائمه به شکل‌های گوناگون بر نوآوری و توجه به تازگی‌ها تأکید دارد، مانند: «عقل شرفی گرامی است که کهنه نمی‌شود» و «عاقل کسی است که عقل وی در مسیر رشد و اندیشه‌اش در حال افزایش است، به همین جهت اندیشه‌اش صحیح و کردارش پسندیده است» (آمدی، ۱۳۸۰، حدیث ۱۵۹۰ و ۳۵۴۷). فرد عاقل خود را درگیر تعصب‌ها و کهنه‌گرایی‌ها نمی‌کند و اجازه نمی‌دهد که سطحی‌نگری‌ها وی را از انجام امور تازه و نوآوری و ابتکار دور کند؛ بلکه همواره با کمک عقل تغییر می‌کند و از یک جا ماندن و دچار روزمرگی شدن پرهیز می‌کند: «متوبر علوم رسدنی»

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «کسی که آگاه به ضرورت‌های زمان است و از دگرگونی‌های آن آگاهی دارد، هرگز خویشتن را از تحول‌ها و تغییرهای اجتناب‌ناپذیرش در امان نمی‌داند» (محمدری شهری، ۱۳۷۹). همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «کسی که عالم به مقتضیات زمان خود باشد، مورد هجوم اشتباه‌ها قرار نمی‌گیرد» (کلینی، بی‌تا). این احادیث به نقش تغییر و تحول‌ها در زندگی افراد اشاره دارد و تأکید می‌کند که انسان‌ها باید در برابر این تغییرها آمادگی داشته باشند. استفاده از نوآوری و ابداع‌های سازنده، راهی مؤثر برای سازگاری با تغییرها در هر زمانی است. همچنین از معصوم نقل شده است: «کسی که دو روزش مانند هم باشد، زیان کار است» (رضایی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۹). این کلام نیز به نحوی بر تغییر و نوآوری‌های مفید در زندگی روزانه دلالت دارد. حدیث دیگری که می‌توان از آن ضرورت نوآوری در تربیت را نتیجه گرفت، حدیث معروف زیر است: «با مردم بر اساس عقل‌هایشان سخن بگوئید» (کوشا، ۱۳۷۴، ص ۵۸). خصوصیت‌ها و ویژگی‌های افراد در هر زمان و دوره‌ای با زمان قبل‌تر تفاوت دارد، طبیعتاً باید نحوه استفاده از روش‌ها و

شیوه‌های تربیتی نیز متفاوت از قبل باشد؛ بنابراین، باید متناسب با ضرورت‌های زمان در تربیت دینی از نوآوری‌ها استفاده شود.

ضرورت نوآوری در تربیت دینی از منظر مبانی فلسفی

فلسفه از نظر ساخت عقلی و مبانی فکری، علوم گوناگونی را مورد سؤال قرار می‌دهد و درباره سودمندی آنها بحث می‌کند؛ بنابراین، از این جهت، هر موضوعی می‌تواند فلسفه داشته باشد. تربیت دینی و نوآوری نیز از موضوع‌هایی است که فلسفه به چرایی آنها پاسخ می‌دهد. در این تحقیق، برای یافتن ضرورت نوآوری در تربیت دینی از منظر مبانی فلسفی، موضوع را در ابعاد معرفت فلسفی، تفکر فلسفی و ارزش‌شناسی فلسفی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. معرفت فلسفی

معرفت فلسفی به انسان توانایی با هم‌نگریستن و کل‌نگری را می‌دهد. منظور از شناخت، همان عمق توجه به ذات چیزها و کارهاست (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۳). معرفت‌شناسی، گنجینه اصلی‌ترین روش‌های تدریس و تعلیم، شناسایی، تفکیک و پی‌بردن به چگونگی عمل، نحوه تأثیرها و موارد خاص کاربرد انواع آنهاست (نلر، ۱۳۸۰، ص ۷). به میزان پر بار بودن این شناخت، توجه انسان نیز به مسائل دقیق‌تر می‌شود. در این مورد، هر چقدر مریبان و دست‌اندرکاران تربیتی به مفاهیم نوآوری و تربیت دینی معرفت پیدا کنند، بهتر می‌توانند در عمل، روش‌ها و اصول مرتبط را به کار بگیرند. در واقع، این شناخت و معرفت فلسفی است که به لزوم یا عدم ضرورت نوآوری در تربیت دینی می‌پردازد. معرفت فلسفی با توصیف اهداف نوآوری و تربیت دینی سبب ایجاد یک بینش کلی‌نگر در مریبان می‌شود که به واسطه این بصیرت آنها به راحتی می‌توانند بین نوآوری و تربیت دینی ارتباط برقرار کنند. فلسفه از راه فعالیت شناخت و تأمل در مسائل کمک می‌کند تا افراد با دید انتقادی به ارزیابی، مقایسه و بازنگری در علل موفقیت یا شکست موقعیت‌های مختلف تربیتی بپردازند. این دلایل می‌تواند نقش معرفت، شناخت فلسفی و آشنایی با مفاهیم نوآوری را در تربیت دینی نشان دهد و ضرورت این امر را اثبات نماید.

۲. تفکر فلسفی

فلسفه به دلیل نوع و ماهیت فعالیت‌های ذهنی که از افراد انتظار دارد، در ایجاد نوآوری‌ها و تغییرهای تازه و مطلوب تربیتی نقش مهمی را ایفا می‌کند. نقیب‌زاده (۱۳۸۱، ص ۱۵) رابطه

فلسفه و اندیشه‌های تازه را چنین بیان می‌کند: «رو کردن به سنجش فلسفی مفاهیمی چون تربیت، دین، هنر، تاریخ و غیره، نه تنها اندیشه را روشن می‌کند؛ بلکه با گشودن افق‌های تازه، آدمی را از تنگ‌نظری و تنگ‌نمایی می‌رهاند که نتیجه وضعیت‌های خاص اجتماعی و پای‌بندی به عادت‌ها است. اگر اندیشه آگاه و فلسفه در کار نباشد، همه چگونگی‌های زندگانی فردی و اجتماعی یا به تأثیر عادات خواهد بود یا به فرمان‌های این و آن و یا دستخوش پیشامدهای گوناگون». از دلایل وجود رابطه بین فلسفه و نوآوری، فعالیت فلسفی است، که سیر عقلانی می‌باشد. فیلسوف خود را به روشی خاص، هدفی معین، تجربه‌ای محدود، اصولی ثابت، زمینه‌های فرهنگی، کلمات و مفاهیم موجود در زبان محدود نمی‌کند. انتقاد یا ارزیابی افکار و عقاید نیز فعالیت دیگر فلسفه است. قضاوت درباره قضایا مستلزم بررسی و ارزیابی آنهاست؛ فلسفه، افکار و عقاید معمولی در جامعه یا معرفت‌های عمومی، آداب و رسوم، و زمینه‌های اخلاقی و دینی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۸۴، ص ۵۷). داشتن تفکر فلسفی می‌تواند نوآوری را تقویت نماید. فلسفه افراد را به خلق افکار تازه و طرح مسائل جدید تشویق می‌کند. افرادی که ذهن خود را به شکلی محدود کرده‌اند، قادر به ابداع افکار و عقاید تازه نیستند و از فکر کردن و کشف راه‌های تازه خودداری می‌کنند که سیر عقلانی مانع از این امر می‌شود. در مجموع، باید گفت که تفکر فلسفی و نوآوری با یکدیگر هم‌خوانی و رابطه داشته و کیفیت اندیشه آن گونه که مورد توجه فلسفه است، به خوبی ضرورت نوآوری را در مسائل تربیتی و روش‌های اجرایی آن تأیید می‌نماید.

۳. ارزش‌شناسی فلسفی

هدف اصلی تربیت در همه زمان‌ها، پرورش اخلاق و کردار افراد بوده است، لازمه این امر، آشنایی با ارزش‌ها است؛ بنابراین، تابع کردن برنامه‌های آموزشی و تربیتی بر مبنای ارزش‌های معین و مورد تأکید فلسفه تربیتی هر جامعه امری اساسی است (نلر، ۱۳۸۰، ص ۱۳). امروزه و به خصوص در جامعه دینی ما، این مبنای فلسفی اهمیت خاصی دارد؛ چرا که جامعه ما، بر پایه ارزش‌ها قرار دارد. لزوم آموزش این ارزش‌ها به بهترین گونه، چه در شکل آموزش رسمی و چه از راه آموزش‌های غیر رسمی، امری واضح و اساسی است. این نکته، به خصوص در تربیت دینی به دلیل ارزشی بودن آن مهم‌تر است و باید به آن توجه بیشتری شود. تربیت دینی بدون توجه به جنبه‌های اخلاقی و تربیتی ناقص است؛ به عبارت دیگر، ارتباط تنگاتنگی بین اخلاقیات و تربیت دینی وجود دارد.

تأکید بر پاسخ مبتنی بر اصول و ارزش‌ها از آن روست که همین بینش‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها بوده است که توانسته جامعه را تا این مرحله پیش برد و هر گونه تغییر در اصول و ارزش‌ها ممکن است نه تنها بازدارنده، بلکه واپس‌گرایانه باشد و حتی هم‌گرایی جامعه را با خطر بحران هویت رو به رو کند. این نوآوری‌ها می‌تواند در روش‌ها و یا برخی از اصول غیر ثابت و متغیر انجام شود؛ به این معنا که می‌تواند در روش‌ها و شکل‌ها باشد و هم می‌تواند در برخی از ماهیت‌ها و به صورت محتوایی اتفاق بیفتد که ارتباطی با اصول ثابت ندارد و بنیاد آن را دگرگون نمی‌کند.

بنابراین، لازم است که در شیوه‌های تربیت دینی و فعالیت‌های مربوطه نوآوری وجود داشته باشد. نوآوری در ارائه هر چه بهتر و دقیق‌تر ارزش‌ها به تربیت دینی اعتبار و ارزش بیشتری می‌دهد. از سویی، ارزش‌شناسی فلسفی به دست اندرکاران تربیتی کمک می‌کند تا نوآوری‌ها را از صافی فلسفه تعلیم و تربیت عبور دهند و با معیارهای مورد قبول تربیتی انطباق دهند. این تطبیق، اهداف نوآوری را در چارچوب فلسفه نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد و از این منظر، هر گونه نوآوری و ابداع در تربیت دینی با توجه به جنبه ارزشی فلسفه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

ضرورت نوآوری در تربیت دینی از منظر مبانی علمی

علمی که به طور مستقیم در یافتن اهداف تربیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، علمی است که درباره نیازهای جسمی و روانی انسان بحث می‌کند و درصدد تبیین مکانیسم وجودی انسان با توجه به این دو جنبه است. از این رو، شاخه‌های مختلف روان‌شناسی و سایر علوم اجتماعی، مانند جامعه‌شناسی، به طور مستقیم در تعیین اهداف تربیتی مؤثر است (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۱). بنابراین، با توجه به نیازهای انسان در این ابعاد، ضرورت نوآوری در تربیت دینی از منظر علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. روان‌شناسی

نوآوری از جمله مفاهیمی است که به دلایل متعدد مورد تأیید علم روان‌شناسی است و اگر بخواهیم برای آن همانندی بیابیم، می‌توان به خودشکوفایی در روان‌شناسی شخصیت انسانی اشاره کرد. خودشکوفایی، به معنای آن است که شخص از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خویش بهره‌گیرد. در این حالت است که نوعی اعتماد به نفس و عزت نفس در آدمی پدید می‌آید که وی را از دیگری بی‌نیاز می‌کند.

این عدم وابستگی به دیگری به معنای منفی آن نیست؛ بلکه به معنا و مفهوم آن است که شخص می‌خواهد از همه ظرفیت‌های خویش بهره‌گیرد و اگر از دیگری نیز بهره می‌گیرد و به واسطه آنان برخی از نیازهای فردی خویش را پاسخ می‌دهد، در حقیقت بخشی از همان توانایی بهره‌گیری از دیگری است که هر کسی از آن برخوردار نیست، مگر آنکه بتواند شخصیت خویش را به گونه‌ای بسازد که آن را وادار به کنترل و مدیریت دیگری کند. این گونه است که شخص با اعتماد به نفس کامل و به دور از هر گونه وابستگی ذلت‌گونه می‌تواند از بهترین شیوه تحمل دیگری و ارتباط و بهره‌گیری از توانمندی‌های آنان، خود را به سوی کمال بکشانند. در حیطه روانی، تربیت دینی با مخاطبانی در ارتباط است که به ضرورت سن‌شان نوجو، آرمان‌گرا و ناسازگارند (سیف، ۱۳۷۶، ص ۹۶). مخاطبان تربیت دینی در نظام آموزشی، نسلی به شدت تنوع‌طلب و نوگرا هستند و شیوه‌های قدیمی و روش‌های تکراری، جوابگوی نیازهای آنان نیست (علیخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳). به لحاظ روان‌شناسی نیز نوجوانان ارزش بسیاری را برای تغییر، دگرگونی و حرکت قائل شده و از سکون متنفرند و در مقابل، به تغییرات علاقه‌مند هستند (سیلور، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴). وجود ناهماهنگی بین تربیت دینی و ویژگی‌های روحی و روانی نسل جدید می‌تواند چالش‌هایی را در این مسیر ایجاد کند؛ بنابراین، برای برطرف کردن این موانع و کیفیت‌بخشی به تربیت دینی باید با شناخت زمان و نیازهای آن به سوی روش‌های نوین گام برداشت. یافته‌های روان‌شناسی در دسترس به شیوه‌های نوین تربیتی بسیار مؤثر است. سازگار کردن شیوه‌های آموزش با اصول روان‌شناختی اسلامی و بهره‌گیری از نوآوری‌ها در تربیت دینی از راهکارهای مهم برای برطرف کردن آسیب‌های تربیتی است. اصول روان‌شناسی تربیتی به طور مستقیم با عوامل موجود در نوآوری و مؤلفه‌های آن ارتباط دارند، از جمله توجه به انگیزه و رغبت افراد که از عوامل مؤثر در نوآوری است. از نظر روان‌شناسی هر اندازه علاقه شخص به چیز خاصی زیادتر باشد، آن را با دقت و روشنی بیشتری درک می‌کند (گنجی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶). در ادبیات نوآوری نیز یکی از مهم‌ترین عوامل برانگیزاننده نوآوری، کنجکاوی، میل و رغبت به کار است. پژوهش‌های بسیاری از سوی محققان، ارتباط بین فعالیت مورد علاقه و نوآوری را تأیید می‌کنند و انگیزه‌ها و علایق را علت رشد و نوآوری می‌دانند (سام‌خانیان، ۱۳۸۴، ص ۸۰). بنابراین، توجه به اصول روان‌شناسی تربیتی و یادگیری، ضرورت نوآوری در تربیت دینی را آشکار می‌نماید.

۲. جامعه‌شناسی

امروزه واژه نوآوری نمی‌تواند از جامعه‌شناسی دور باشد. پس از شکوفایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها، آنچه مهم و اساسی است، پاسخگویی به نیازهای نوشونده است. همان‌گونه که شرایط زمانی و مکانی و تغییر ضرورت‌های عصری، چیزهای جدیدی را می‌خواهد و پاسخ‌های نوین و تازه‌ای نیز نیاز است تا به این خواسته‌ها و شرایط، جواب‌های مناسبی دهد. این پاسخ باید بر پایه اصول و ارزش‌هایی باشد که جامعه را ساخته و به مقام شکوفایی رسانده است. جامعه بر پایه بینش و نگرش‌ها و نیز ارزش‌ها و اصول خاصی توانسته است که به این شکوفایی برسد. در این مرحله نیز باید بر اساس همان ارزش‌ها و اصول، پاسخ‌های درست و راهکارها و ساز و کارهای صحیحی را یافت که بتواند به شرایط زمانی پاسخ دهد. برای بررسی لزوم نوآوری در تربیت دینی از این منظر، موضوع با تأکید بر تغییرات و شرایط اجتماعی و انتقال فرهنگی پی‌گیری می‌شود.

الف. تغییرات اجتماعی: تغییرات در جامعه، فرهنگ و شیوه‌های زندگی اجتماعی، چه قبل و چه حال، یک امر مداوم و اجتناب‌ناپذیر است. این تغییرات، دگرگونی‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره را در بر می‌گیرد و در عین حال، بر هم تأثیرگذار است. مهم‌ترین گزاره‌هایی که باعث تغییر اجتماعی می‌شود، عبارت است از: نوآوری‌ها، اختراع‌ها و اکتشاف‌ها (گلشنی، ۱۳۷۹). از نظر جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش در عین حالی که خود وسیله تغییر و پیشرفت جامعه است، از همه تغییر و تحول‌های موجود نیز تأثیر می‌پذیرد. این تأثیرها در سطوح گوناگون فردی، اجتماعی، فرهنگی و سازمانی، خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین، در جامعه‌ای که به سرعت در حال دگرگونی است، تعلیم و تربیت باید آگاهی دقیق از دگرگونی‌ها داشته باشد، آنها را ارزش‌یابی کند و نوآوری‌های صحیح را ترغیب و به آنها جهت بدهد. در این باره در گزارش‌های یونسکو آمده است که آموزش و پرورش واقعاً نوخواه و نوآور است که کودکان و نوجوانان را برای تغییرات آماده کند (قلی‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۲۶۳). در مجموع، باید گفت که از منظر علم جامعه‌شناسی به دلیل وجود تغییرات مستمر در جامعه، نوآوری در تربیت دینی ضروری و لازم است.

ب. شرایط اجتماعی: به لحاظ جامعه‌شناسی برای تعیین برنامه‌های آموزشی و تربیتی باید به شرایط اجتماعی آن زمان نیز توجه نمود. از جمله شرایطی که در حال حاضر جامعه ما با آن روبه‌رو است، گسترش امواج دیدگاه‌هایی است که سبب می‌شود تربیت دینی کم‌اهمیت جلوه کند. برای مثال، طرفداران مکتب لیبرالیسم سعی می‌کنند تا تعالیم مذهبی را از

برنامه مدارس حذف کنند (گوتهک،^۱ ۱۳۸۴، ص ۲۶۳). پست مدرن‌ها انتقال فرهنگ دینی را در آموزش و پرورش رسمی نفی می‌کنند (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۴۹-۸۹). همچنین آنها معتقدند که دین باید از یک فرانهاد به نهاد تقلیل یابد که در نتیجه این تفکر، دین از عرصه اجتماعی به حاشیه زندگی شخصی و خصوصی رانده می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۳، ص ۲۱). عده‌ای روشنفکر نیز تلاش می‌کنند تا دین را تا حد یک نیاز معنوی که فقط در مواقع سختی‌ها مفید است، پایین آورند (بشیری، ۱۳۸۳، ص ۱۶). گرچه جامعه ما، حکومت دینی دارد که با تمام این دیدگاه‌ها مخالف است، اما باید همواره مراقب تأثیرهای این امواج در جامعه بود؛ چرا که نفوذ ظاهری این افکار سبب کاهش غیرت یا تعصب دینی در افراد و نیز پایین آمدن اهمیت دین‌باوری و دینداری در زندگی می‌شود. سیکورا^۲ (۲۰۰۹) معتقد است که مذهب‌ها باید خود را برای رویارویی با چالش‌هایی آماده کنند که به وسیله دیدگاه‌های دین‌زدا پدید خواهد آمد، زیرا تفکر سکولار یا دین‌زدایی از راه‌های گوناگون در زندگی مردم در حال گسترش است. یک راهکار اساسی در جامعه دینی ما، جذابیت‌بخشی به تربیت دینی و نوآوری و همگام با روز بودن در شیوه‌های تربیتی است. وجود نوآوری و تازگی برای معرفی سیمای دین و دینداری به دانش‌آموزان باعث می‌شود که تربیت دینی جذابیت خویش را بیشتر از قبل برای مخاطبان حفظ نماید.

ج. انتقال فرهنگی: یکی از وظایف تعلیم و تربیت از منظر جامعه‌شناسی، انتقال فرهنگ گذشته و یا به عبارتی، میراث فرهنگی به نسل جدید است. تربیت باید بتواند ارزش‌های سنتی و میراث فرهنگی گذشتگان را انتقال دهد. حفظ و انتقال این ارزش‌ها، اهمیت ویژه‌ای دارد (قلی‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۸۵). فرایند انتقال فرهنگی از حساسیت خاصی برخوردار است؛ چرا که در تقابل دو نسل با اعتقادات و تفکرهای متفاوت قرار دارد، به همین دلیل باید با ظرافت و دقت انجام گیرد. در اثر تحولات سریع زندگی و تأثیر همه جانبه در عرصه‌های گوناگون فرهنگی ممکن است که دانش‌آموزان و نسل جوان از میراث فرهنگی و اجتماعی فاصله بگیرند که این امر باعث تضاد و گسست بین دو نسل می‌شود. برای جلوگیری از این تضاد در انتقال فرهنگی باید از نوآوری‌ها و شیوه‌های جدید کمک گرفت. در اینجا برای نهاد آموزش و پرورش ضروری است که با نوآوری به تجدیدنظر در روش‌ها و شیوه‌های موجود به انتقال فرهنگ و میراث گذشته اقدام نمایند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در تربیت دینی، نوآوری و تازگی در روش‌ها و محتوا، اهمیت ویژه‌ای دارد. سرعت پیشرفت در علوم و تکنولوژی، تحرک و تنوع نیازهای انسان‌ها و عدم ثبات ناشی از آن، از جمله مسائلی است که در شکل گرفتن احساس تغییر و نوآوری در روش‌های تربیتی مؤثر است؛ بنابراین، تربیت دینی باید برای جوابگویی به انتظارات تازه مخاطبان خود در حیطه نظری و عملی به نوآوری روی آورد. منظور از نوآوری، تغییر در روش‌ها است، به گونه‌ای که سبب بهبود و کیفیت‌دهی به امور شود و شیوه انجام کارها را نسبت به آنچه از قبل بوده است، بهتر نماید. تربیت دینی، مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌های ابلاغ محتوا به فراگیران است. آموزه‌های تربیتی اسلام به شکل کامل و ثابت برای همه زمان‌ها، در دسترس مریان تربیتی قرار دارد. آنچه در تربیت دینی اهمیت دارد، چگونگی انتقال این آموزه‌ها به فراگیران است؛ بنابراین، منظور از نوآوری در تربیت دینی، برگزیدن ایده‌ها و راه‌های جدید در شیوه‌های تربیتی است، به گونه‌ای که بتواند جذابیت روش‌های تربیتی را با توجه به ضرورت‌های زمان افزایش دهد.

در این مقاله، ضرورت نوآوری در تربیت دینی از نظر مبانی دینی، علمی و فلسفی به دلایل مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از نظر مبانی دینی، ضرورت نوآوری از جنبه‌های فطرت توحیدی، قرآن و سیره ائمه علیهم‌السلام تحلیل شد. نتیجه این بخش نشان می‌دهد که نوآوری با گرایش‌های فطری انسان تطابق دارد. همچنین، با الهام از آیات و روش تربیتی قرآن و همچنین سیره معصومین نتیجه گرفته می‌شود که در تربیت دینی باید از روش‌هایی استفاده کرد که حتی مطالب عادی و آشنای مذهبی در قالب طرح‌های تازه و جدید و همراه با موقعیت‌های خلاق برای فراگیران مطرح شود تا از این راه، حس کنجکاوی، رغبت و تمایل فطری آنها برانگیخته شود؛ چرا که اگر این برانگیختگی با نیازها و کشمکش‌های روانی و عاطفی در هم آمیزد، یادگیری واقعی و تغییر رفتار حاصل می‌شود. از نظر رویکرد فلسفی، ضرورت نوآوری در تربیت دینی از جنبه‌های گوناگون معرفت‌شناسی، تفکر فلسفی و ارزش‌شناسی فلسفی مورد بحث قرار گرفته است. به لحاظ مبانی علمی نیز این ضرورت در ابعاد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، تحلیل شد. بحث لزوم نوآوری در تربیت دینی به لحاظ جامعه‌شناسی، نیز با توجه به رویکردهای تغییرات اجتماعی، شرایط اجتماعی و انتقال فرهنگی پی‌گیری شد.

دشمنان دین، به خصوص غرب به خاطر درک همین نیازهای فطری و غریزی جوانان، تلاش زیادی انجام می‌دهند تا این گرایش‌ها را به جهت‌هایی که اهداف آنها را تأمین

می‌کند، سوق دهند و آنها را از کمالات معنوی و دینی منحرف کنند. یک جوان مسلمان باید با تحصیل معرفت و دستیابی به علوم مقدس دینی، خود را مجهز کرده، تا به دامی که جوانان غربی به آن گرفتار آمدند، هویت خود را از دست ندهد.

نتیجه این مطالعات نشان می‌دهد که شاگردان امروز با گذشته خیلی فرق کرده‌اند. امروزه دانش آموزان، نوگرا، تنوع طلب و علاقه مند به روش‌های نوین و مدرن هستند و دوست دارند که مطالب و محتوای دینی را در قالب نو، فعال و پر جنب و جوش و با ابزارها و روش‌های جدید بیاموزند. تفکر در این مبانی ایجاب می‌کند که تربیت دینی در قرن ۲۱، به گونه‌ای اعمال شود که در مقابل چالش‌های موجود به بهترین شکل مخاطبان را جذب نماید. این امر شدنی و امکان پذیر است؛ البته به شرط اینکه برای کارآمدی و نهادینه کردن نوآوری، مطالعه علمی و مستمری انجام بگیرد و ضمن ایجاد بستر فرهنگی مناسب، شرایط و وسایل اجرا نیز فراهم شود.

- برای کاربرد نوآوری در عرصه تربیت دینی پیشنهادهای زیر می‌تواند مفید باشد:
- فرهنگ سازی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به نوآوری در معلمان، مدیران و سایر دست‌اندرکاران تربیتی؛
- تشکیل کمیته‌های نوآوری و تغییر در ادارات و نهادهای تربیتی، همراه با دادن آموزش‌های لازم به افراد تحت پوشش؛
- تشکیل شبکه ارتباطی از کارشناسان خبره حوزه و دانشگاه برای پاسخگویی به سؤال‌های حیطه تربیت دینی و نوآوری؛
- آسان نمودن جریان ارتباطی بین معلمان و واحدهای تحقیقاتی برای دسترسی به منابع اطلاعاتی در امر نوآوری؛
- نهادینه کردن تغییر و نوآوری همراه با تعامل فناوری اطلاعات و نوسازی نظام آموزشی با این ایده.

فهرست منابع

- قرآن مجید.
 نهج البلاغه.
 آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه محمد انصاری، تهران: انتشارات امام عصر.
 بشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، «نگاهی روان‌شناختی به آسیب‌شناسی دین باوری جوانان»، *مجله معرفت*، ش ۸۷، ص ۸-۱۶.
 تاشمن، مایکل و چارلز، اریلی (۱۳۷۸)، *نوآوری بستر پیروزی، راهنمای کاربردی در رهبری مدیریت دگرگونی و نوسازی سازمان*، ترجمه عبدالرضا رضایی‌نژاد، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
 توما، ژان (۱۳۶۳)، *مسائل جهانی آموزش و پرورش*، ترجمه احمد آقازاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 بانکی‌فرد، امیرحسین (۱۳۸۵)، *تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری*، ج ۱، گروه پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.
 داوودی، محمد (۱۳۸۶)، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 رضایی، عبدالحسین (۱۳۷۷)، *ارشاد القلوب*، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامیه.
 سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۶)، *روان‌شناسی پرورش، روان‌شناسی یادگیری و آموزش*، تهران: انتشارات آگاه.
 سام‌خانیان، محمدریغ (۱۳۸۴)، *اخلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی*، تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
 سجادی، سید مهدی (۱۳۷۹)، *تربیت اخلاقی از منظر پست مدرنیسم و اسلام*، کتاب دوم *تربیت اسلامی ویژه تربیت اخلاقی*، قم: مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ص ۴۹-۸۹.
 سلطانی تیرانی، فلورا (۱۳۷۸)، *نهادی کردن نوآوری در سازمان*، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
 سیلور، جی گالن، ویلیام ام الکساندر (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی درسی برای تدوین و یادگیری بهتر*، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 شریعتمداری، علی (۱۳۸۴)، *اصول فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

شمسیری، بابک (۱۳۸۵)، *تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان*، تهران: انتشارات طهوری.
 صادق‌زاده قمصری، علی (۱۳۸۰)، «راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی در بوته نقد»، *تربیت اسلامی*، مجموعه مقالات، کتاب ششم، مرکز مطالعات اسلامی، ص ۷۰-۹۰.

علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، *نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

قلی‌زاده، آذر (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، کاشان: انتشارات محترم.

کاظمی، عباس (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران*، تهران: انتشارات طرح نو.
 کلینی، یعقوب (بی‌تا)، *اصول کافی*، ج ۱، تهران: دار الکتب اسلامی.

کوشا، محمدعلی (۱۳۷۴)، *چهل حدیث*، قم: نه‌اوندی.

گلشنی فومنی، محمدرسول (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: نشر دوران.

گوتک، جرالسد لسی (۱۳۸۴)، *مکاتیب فلسفی و آرای تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران: انتشارات سمت.

گنجی، حمزه (۱۳۷۶)، *روان‌شناسی عمومی*، تهران: انتشارات بعثت.

_____ (۱۳۸۱)، «نوآوری چیست؟»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ش ۱، ۱۳۸۱، ص ۷-۱۰.

مبلغی، احمد (۱۳۸۷)، «نوآوری در علم»، *دوماهنامه داخلی جشنواره فارابی*، ش ۳، ص ۳۸-۴۱.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹)، *میزان الحکمه*، ج ۵، ۶ و ۱۵، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دار الحدیث.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۴)، «بررسی نوآوری‌های آموزشی در مدارس ایران»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ش ۱۲، ص ۵۳-۵۷.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.

نقیب‌زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۱)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات طهوری.

نلر، جی اف (۱۳۸۰)، *آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه فریدون بازرگان دیلقمانی، تهران: انتشارات سمت.

Croter, R. (2005), *On Religion Speeches to its cultured Pespisers*, CAMBRIDGE, university press.

- Daft, R. (1992), *Organization Theory*, London: West Publishing Company.
- Haner, U. (2005), "Spaces for Creativity & Innovation in Two Established Organization", *Creativity & Innovation management*, vol: 14, iss, 3.
- Larson, T. (1993), "Technology Innovation", *Journal of Management Information System*, N: 2, vol: 4, pp. 2-9.
- Pintrich, P. R. & Schunk, D. (2002), *Motivation in Education*, 2nd, ED.NJ: Prentice-Hall.
- Sikora, J. (2009), "Religion & attitudes concerning euthanasia Australia in the 1990s", *Journal of sociology*, vol: 45, pp. 31-54.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی